

ملاحظات حقوقی بر مبنای اساسی اقتصادی

امید عالی و مهر خانی

نشر مخاطب

۱۳۹۵

فهرست

۷	مقدمه
۱۳	فصل اول: کلیات و مبانی نظری
۱۳	۱-۱. دموکراسی
۱۳	۱-۱-۱. مفهوم دموکراسی
۱۹	۱-۱-۲. دموکراسی و فرآیند انتخابات در دموکراسی سیاسی
۲۱	۱-۱-۳. دموکراسی لائیسیته و رابطه آن با دینی و نقش آنها در وضع قوانین
۲۴	۲-۱. اقتصاد
۲۴	۱-۲-۱. مکاتب اقتصادی
۲۴	الف) مکتب کلاسیک
۲۵	ب) مکتب فیزیوکراتها
۲۵	ج) مکتب مرکانتیلیسم
۲۵	د) مکتب سوسیالیسم
۲۶	هـ) مکتب کینزینها
۲۶	۲-۲-۱. تعریف علم اقتصاد
۲۸	۲-۲-۲. توسعه اقتصادی
۳۱	۳-۱. عدالت اجتماعی

۴-۱. اصل تساوی در دیدگاه حقوق بشری	۳۶
۵-۱. جرم اقتصادی	۴۱
۵-۱-۱. ماهیت جرایم اقتصادی و تعریف آن	۴۵
فصل دوم: دموکراسی اقتصادی	۴۷
۱-۲. مفهوم دموکراسی اقتصادی	۴۷
۲-۲. دموکراتیک کردن اقتصاد و آزادی‌های فردی	۵۳
۳-۲. تئیر شرکت‌های تجاری در اقتصاد آزاد	۵۵
۴-۲. رابطه بین مردمسالاری و اقتصاد آزاد	۶۲
۵-۲. آزادسازی سندسیتی و اقتصاد آزاد	۶۹
۶-۲. توسعه اقتصادی	۷۱
۱-۲-۱. توسعه اقتصادی	۷۳
۲-۲-۲. تأثیر دموکراسی بر توسعه اقتصادی	۷۵
۳-۲-۲. اقتصاد در دولت‌های غیر دموکراتیک	۸۸
۷-۲. دموکراسی اقتصادی و امنیت فرهنگی	۹۴
۱-۷-۲. هویت بومی به عنوان راهبردی برای امنیت فرهنگی	۹۷
فصل سوم: مبانی حقوقی دموکراسی اقتصادی با نگاهی بر نظام حقوقی ایران	۹۷
۱-۳. مبانی حقوقی دموکراسی اقتصادی	۹۹
۱-۱-۳. اصل مشارکت عمومی	۹۹
۱-۱-۳-۱. نقد دموکراسی لیبرال	۱۰۱
۱-۱-۳-۲. مشارکت فعال شهروندان	۱۰۲
۱-۱-۳-۳. برابری اجتماعی و سیاسی	۱۰۴
۲-۱-۳. حق رای دهی در مدیریت نظام اقتصادی	۱۰۶
۳-۱-۳. اصل حکمرانی خوب	۱۰۸

الف) مشارکت	۱۰۹
ب) حکومت قانون	۱۱۰
ج) شفافیت	۱۱۰
د) پاسخگویی	۱۱۰
هـ) عدالت و همه گیری	۱۱۰
و) کارایی و اثربخشی	۱۱۱
ز) مسئولیت	۱۱۱
۱-۱-۱. اصل حاکمیت و آزادی اراده در قراردادها	۱۱۴
۱-۱-۲. اصل خصوصی سازی اقتصاد	۱۲۰
۱-۳-۱. اهداف و سیاست‌های خصوصی سازی	۱۲۱
۱-۳-۲. خصوصی سازی بهمانی	۱۲۲
۱-۳-۳. چالش‌های بخش خصوصی سازی	۱۲۳
۱-۳-۴. دلایل رویکرد دشوره به سمت خصوصی سازی	۱۲۴
۱-۳-۵. روش‌های اجرای خصوصی سازی در کشورها	۱۲۵
۱-۳-۶. ارزش‌های حقوق عمومی در خصوصی سازی	۱۲۷
۲-۳. دموکراسی اقتصادی در نظام حقوقی ایران	۱۲۹
۱-۲-۳. دموکراسی اقتصادی در قانون اساسی	۱۳۰
۲-۲-۳. مجموعه مقررات و اسناد بالادستی (قوانین ارگانیک)	۱۳۵
۱-۲-۲-۳. سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران	۱۳۷
۲-۲-۲-۳. سیاست‌های کلی نظام	۱۳۸
الف) سیاست‌های کلی در مورد امنیت اقتصادی	۱۳۹
ب) سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۱۴۰
ج) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی	۱۴۱

۳-۲-۳. قوانین و مقررات دولتی ۱۴۱

نتیجه‌گیری ۱۴۳

منابع ۱۴۷

الف) کتاب‌های فارسی ۱۴۷

ب) مقالات فارسی ۱۵۰

ج) سایر منابع فارسی ۱۵۱

د) مقالات اینترنتی ۱۵۲

هـ) منابع خارجی ۱۵۲

مقدمه

دموکراسی امکان برقراری حق حاکمیت مردم را بر سرنوشت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خویش فراهم می‌کند. آزادی حقیقی است که بر اساس آن اشخاص می‌توانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی خود را به کار اندازند، مشروط به آنکه آسیب به دیگران وارد نکنند. آزادی افراد انسانی از جهات فلسفی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برد تعبیر و تفسیر قرار گرفته است.

آزادی در حقیقت از پایه‌های اصلی دموکراسی محسوب می‌شود و در نظام‌های دموکراتیک قدرت سیاسی مردم در آزادی افراد مردم نهفته است و حاکمان سیاسی از طریق آرای آزاد، نمایندگان مردم را به دست آورده و قدرت عمومی را در جهت تحقق خواسته‌های ملت مستقیم نمایند.

یکی از نمودهای عینی دموکراسی، آزادی در عرصه اقتصادی است. باید دانست که آزادی‌های فردی با آزادی‌های اقتصادی در ارتباط است. اما تجربه نشان داده است که آزادی‌های کامل اقتصادی و اجتماعات، موجب بروز و ظهور طبقات در جامعه شده و برابری افراد را تحت الشعاع قرار می‌دهد و زمینه را برای سلطه طبقاتی که یکی از پایه‌های محو آزادی‌ها است، فراهم می‌کند. به این دلیل است که گرایش جدیدی برای بنیاد اقتصاد در مجموعه آزادی‌ها پدیدار شده است. بر اساس این گرایش فعالیت‌های اقتصادی تحت ضوابط قانونی قرار می‌گیرد تا از بروز و ظهور نابرابری‌های اقتصادی جلوگیری شده و بدین وسیله آزادی‌های مردم دچار بحران نگردد.

در این مجال به بیان اصول و مبانی حقوقی حاکم بر دموکراسی اقتصادی پرداخته شده و رهیافتی از آن در نظام حقوقی ایران و نیز مطالعه تطبیقی ارائه می‌شود. دموکراسی و حاکمیت مردم بر سرنوشت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود از دغدغه‌های نخبگان و فرهیختگان بوده است که در طی قرن‌های گذشته با نظریه‌پردازی و مبارزه عملی، رویکرد واقعی خود را برای تحقق آن نمایان کرده است.¹

ممکنانی بودن مشارکت مردم تحت عنوان حق حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت خود¹ یکی از پایه‌های اساسی اصل ملیت همراه با اندیشه دموکراسی در حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود.

بدین معنا که مردم هر دولت - کشور دارای حق انتخاب آزادانه در نظام سیاسی و اقتصادی هستند. پایه‌های دموکراسی در اندیشه‌های آزادی است. آزادی عبارت از حقی است که انسان می‌تواند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خویش را به صورتی به کار اندازد که موجب آسیب و زیان به دیگران نشود. آزادی انسان در چهار بعد فلسفی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مورد بحث واقع می‌شود. از نظر فلسفی انسان موجودی است که به صورت نظری آزاد خلق شده و آزادی جزو خصایص غیر قابل انفکاک از طبیعت اوست. این نظر اجتماعی نیز انسان به واسطه داشتن زندگی اجتماعی می‌بایست اعمال حق آزادی خویش را با رعایت مصالح اجتماعی چنان قرار دهد که از بروز ضرر و آسیب به دیگران جلوگیری نماید. از دیدگاه اصالت جامعه منافع جامعه مقدم بر منافع افراد تشکیل دهنده آن است. از منظر سیاسی نیز آزادی یکی از پایه‌های اصلی دموکراسی محسوب می‌شود که

1 Marcel Prelot et Jean Boulouis: *Institutions politiques et droit constitutionnel*, 11^{eme} edition 1990, p. 52 - 53.

قدرت سیاسی در آزادی مردم نهفته است و حاکمان مردمی در اعمال قدرت سیاسی باید حقوق فطری، آزادی و استقلال افراد را محترم شمارند.^۱

آزادی‌های فردی با آزادی‌های اقتصادی در ارتباط است. اما تجربه بشری نشان داده است که آزادی‌های کامل اقتصادی و عدم مهار آن موجب بروز و ظهور طبقات در جامعه شده و اصل برابری افراد را تحت الشعاع قرار می‌دهد و زمینه را برای سلطه طبقاتی که یکی از پایه‌های محو آزادی‌ها است، فراهم می‌سازد. بدین خاطر است که گرایش و دیدگاه جدیدی برای بنیاد اقتصاد در مجموعه آزادی‌ها پدیدار شده است. بر اساس این گرایش فعالیت‌های اقتصادی می‌بایست تحت ضوابط قانونی قرار گیرد تا از بروز و ظهور هرج و مرج و نابرابری‌های فاحش و زیان‌بار اقتصادی جلوگیری شود و بدین صورت آزادی‌های مردم دچار بحران نگردد.

به این ترتیب ما حظه می‌شود که دموکراسی می‌تواند به عرصه‌های اقتصادی نیز تسری یابد. اما باید از آزادی‌های کامل اقتصادی که منجر به پیدایش فساد در ارکان اقتصادی جامعه می‌شود، شده و آزادی و دموکراسی را به اختلال درآورد، با تاسی به مبانی دموکراسی اقتصادی و تدوین و وضع قوانین مناسب و اجرای صحیح آن‌ها جلوگیری نمود.

اندیشمندان سیاسی معتقدند از ترکیب سه مفهوم آزادی، برابری و قراردادی بودن حکومت، سنتزی به نام دموکراسی برخاسته است. جوهره دیدگاه این اندیشمندان این است که بشر به صرف بشر بودن دارای یک دسته حقوق بنیادین است که به هیچ بهانه‌ای نمی‌توان آن را نقض کرد. مظهر این حقوق بنیادین، آزادی و خودمختاری است. در دموکراسی حکومت متعلق به مردم است که مردم به نسبت مساوی در این حق شریکند. اما چون عملاً ممکن نیست که تمام مردم حکومت کنند، از طرف آنان عده‌ای برگزیده می‌شوند و حکومت را در دست می‌گیرند، ولی این عده که وکیل مردم‌اند، همیشه بر اساس ساز و کار انتخابات تحت نظارت‌اند. در

۱. هاشمی، سید محمد، *حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی*، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰.

چنین حکومتی مردم خود صاحب اختیار سرنوشت خویش هستند، بنابراین حکومت قراردادی است که انسان‌های آزاد برای تنظیم امور خویش منعقد می‌کنند. دموکراسی نه سود جویی افراطی را می‌پذیرد و نه تنبلی و بی‌مسئولیتی را. همچنین، با بهبود توزیع درآمد محیط مناسب‌تری برای توسعه اقتصادی پایدار فراهم می‌سازد؛ توزیع عادلانه، تولید مفید، تحقیقات ضروری و سرمایه‌گذاری در دموکراسی‌ها بیش از هر رژیم دیگری امکان‌پذیر است.^۱

در حالت کلی برای دموکراسی مبانی و اصولی را بیان می‌کنند که عبارتند از: اصل حاکمیت قانون، حق مشارکت همگانی، وجود آزادی‌های فردی و همگانی، برابری همه انسان‌ها، توزیع خردمندانه قدرت.^۲

وجود اصل حاکمیت باعث می‌گردد تا ارکان جامعه تحت اختیار قانون و هنجار مورد پذیرش اجتماع قرار گیرد و هیچ‌گونه رفتار خارج از قانون در اجتماع صورت نگیرد. در چنین حالتی است که هرکس در حوزه اقتصادی نیز دارای رفتارهای قانونی خواهد بود و از بهره‌خسای در فعالیت‌های اقتصادی جلوگیری خواهد شد. در دموکراسی حق مشارکت همگانی از موازیم اصلی آن است که همه مردم در سرنوشت خویش دخالت نمایند. در زمینه اقتصادی در یک جامعه دموکراتیک باید این امکان فراهم باشد که مردم بتوانند از حق مشارکت بهره‌مند گردند و کسی را نتوان از این حق بدون دلایل موجه قانونی بی‌بهره کرد. آزادی، کنی اساسی برای دموکراسی است که در دو قالب آزادی فردی و اجتماعی - گروهی می‌شود. در آزادی‌های خصوصی یا فردی که حکایت از آزادی روابط فرد با فرد می‌کند بدون آنکه پای جامعه در میان باشد مانند آزادی مالکیت و انجام هرگونه فعالیت فردی

۱. امیدی، جلیل، *تفسیر قانون در حقوق جزا*، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۷۹.

۲. قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، نشر میزان، چاپ دوازدهم،

۱۳۸۳، ص ۱۲۱.

بدون شک تامین این آزادی‌ها بدون تضمین اجتماعی میسر نیست و این آزادی‌ها نباید حقوق دیگران و منافع جامعه را به خطر اندازد.^۱

اصل برابری عبارت از این است که تمام افراد مردم، در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند، دارای مقام و موقعیت برابر و حقوق و تکالیف یکسان باشند. همگانی بودن مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش اقتضا می‌کند که هیچ تبعیض نژادی، تباری، عقیدتی، طبقاتی، جنسی و اقتصادی بین مردم وجود نداشته باشد.^۲

با این توصیف باید دانست که دموکراسی‌ها مزیت‌های اثبات شده زیادی دارند نه از توسعه اقتصادی حمایت می‌کند. دموکراسی‌ها زندگی افراد را از طریق اعطای حقوق سیاسی و مدنی غنا می‌بخشند و کارهای بهتری برای بهبود رفاه فقرا در مقایسه با نظام‌های مخالف آنها انجام می‌دهند. همچنین آنها انگیزه‌هایی برای دولتمردان فراهم می‌کنند که به طور مثبتی به نیازها و مطالبات مردم پاسخ دهند. زیرا حق حکمرانی از حمایت عمومی گرفته شده است که در رقابت‌های انتخاباتی نمود یافته است. در دموکراسی انتخاب از خشونت برای حل تنش‌های اقتصادی و سیاسی، پایه نظام ارزشی مردم است که در ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه نهادینه می‌شود. در چنین نظامی مهدات دولت از اعتبار بیشتری برخوردار می‌باشد زیرا دولت‌های دموکراتیک ذاتاً برای اخذ و رعایت قانون احترام بیشتری قائل می‌باشند. این امر هزینه نظارت و اجرای قراردادهای اجتماعی را کاهش داده، موجب رونق سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌گردد. در چنین جامعه‌ای نه تنها نظام سیاسی ذاتاً پایدار می‌باشد، بلکه می‌توان سیاست‌های اقتصادی را به منظور تامین توسعه اقتصادی سریع اما پایدار به نحوی مطلوب تصحیح و بهینه کرد.

۱. هاشمی، همان، ص ۲۱۴.

۲. همان، ۲۱۵.

۳. یورفسکی، ملوین، *دموکراسی*، ترجمه خداداد ظهراپی کلانتری، تهران: انتشارات باشگاه اندیشه، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۵۸.

در کتاب حاضر با تشریح مبانی و اصول حقوقی حاکم بر دموکراسی و بیان موضوع دموکراسی در عرصه سیاسی، اصول حقوقی حاکم بر دموکراسی اقتصادی به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و سپس در نظام حقوقی ایران مورد نقد و تحلیل واقع می‌گردد.

www.ketab.ir